

Open Farsi Letter



نامه‌ای سرگشاده:

به کانالهای تلویزیونی و رادیویی و سایتهای اینترنتی و شخصیت‌های فارسی زبان!

این نامه به مناسبت دوم اکتبر¹، روز جهانی عدم خشونت به رشته تحریر در می‌آید!

ایوب رحمانی

rahmayub@yahoo.de

با عرض سلام و خسته نباشید

شروع سخن اینکه بنده معتقدم که هرگاه یک مدافع حقوق بشر، یک برنده جایزه صلح نوبل، یک آزادیخواه، یک متدین معتقد، یک مارکسیست معتقد و یا یک انسان متمدن، حقوق ملت‌های دیگر را به هر دلیلی حال تمامیت ارضی یا عشق به وطنش نتواند ببیند و بدهد، آن لباس مزور برانزده وی نیست!

من یک استقلال طلب کرد یا به قول شما، به غلط و صد البته آگاهانه "تجزیه طلب کرد" هستم، که سخنی چند با شما دارم. آرزوی قلبی من اینست که شما را با این نامه‌ام فوراً مضطرب و نگران نکنم بلکه امیدوارم که شما ابتدا منطق مرا بخوانید و با منطق خودتون مقایسه کنید. با توجه به اینکه شما یک کانال تلویزیونی یا رادیویی و یا سایت اینترنتی و یا دریچه‌هایی دیگر در اختیار دارید و بدینوسیله میتوانید به راحتی منطق مرا بدون رو در بانسی و تحریف با مردم خود و کارشناسان مستقل و بیطرف و بی ریا در میان بگذارید، که البته اینکار را حتما باید بکنید، برایتان مینویسم. یا اگر چنانچه مایل باشید، بنده شخصا حاضرم که چه حضوری و چه تلفنی و چه کتبی با شما مصاحبه و مکاتبه بنمایم تا در این زمینه بیشتر با هم به گفتگو بنشینیم. اگر چنانچه حرف منطقی از نظر شما هم منطقی است، پس نباید از شنیدن حرفهای من دلنگران شد، بلکه شما با توضیحات خودتون میتوانید آنها رد کرده و پاسخ دهید که البته جوابهایتان را بارها شنیده‌ام و سالهاست که میدانم شما چی میگید.

معضل ایجاد مجدد کشور کهن و باستانی کردستان، سالهاست که گریبانگیر جامعه ما و شماست ولی تا به حال با کشتن و سر نیزه به آن پاسخ داده شده است و از این به بعد هم دیر یا زود دوباره، و اینبار به شکلی دیگر گریبانگیر همگی را خواهد گرفت. پس چرا باید از آن گریخت و به آن پاسخ نداد و برایش سرکوب کرد؟ یا طرفداران آنها سلاخی نمود؟ مگر کشتن کردها به خاطر استقلال طلبی رواست؟ اگر اینطور است پس چرا شما خودتون هر روز از این تریبونتان دم از دموکراسی و آزادی و فرهنگ و تمدن و دیالوگ سازنده و استقلالتون میزنید و به غیر از اینرا محکوم میکنید؟ مگر نه اینکه شما با انکار وجود کردها، همانکار را میخواهید با آنها بکنید، که الان خودتون بر علیه‌اش دارید با انواع و اقسام تبلیغات و امکانات میجنگید؟ کردها، ملت بزرگی که واقعی و حی و حاضر هستند و

¹ روز جمعه 15.06.2007 سازمان ملل متحد در نیویورک، دوم اکتبر را به مناسبت روز تولد مهندس مهاتما گاندی (تولد 02 اکتبر 1869 در پوربندر، مساویست با دهم مهرماه 1248 شمسی، مرگ 30 ژانویه 1948 در دهلی نو) روز جهانی عدم خشونت نامگذاری کردند.

وجود دارند و وقتی دارند داد میزنند، یعنی هستند و مشکلی دارند که باید حلش کرد! که البته عقده کورکورانه‌ی تمامیت ارضی تاکنون مانع از فهمیدن حرفهای منطقی در هر شکل و فورمی شده است، من مطمئنم شما از این دسته نیستید، که البته اگر هم مخالف من باشید به من جواب منطقی خواهید داد، نه اینکه به مانند حکام گذشته و حال سلاخی و یا ترورم کنید!

خط سیاسی و فکری من چیست؟

من یک فرد چپگرا هستم که به آرمانهای رسیدن به سوسیالیسم ارج مینهم و به هیچ وجه خودم را ناسیونالیست نمیدانم و نیستم و با شعار برتری نژادی بشدت مخالفم، همچنانکه واقعگرایانه دم از دیکتاتوری پرولیتاریا هم نمیزنم، بلکه معتقد به آزادی و برابری انسانها هستم، دشمن استثمار و مدافع سر سخت داشتن حق انتخاب برای ملتها و از جمله ملت کرد هستم و معتقدم که تا ملتی مستقل نباشد و کشور خودش را نداشته باشد، آزاد نیست بلکه گردن کج است، و من به عنوان کسی که از مادری کرد در سرزمینی کردی و در شهر و خانواده‌ای کرد بزرگ شده‌ام، درد و رنج ملت را تا پوست و استخوان درک میکنم. کاری هم نمیشود کرد، چون من کردم، زیرا ملیت دادنیست ولی به هیچوجه گرفتنی نیست.

موضوع چیست؟

فقدان آزادی و استقلال برای کردها، یک مشکل همگانیست، نخست اینکه مشکل کردهاست چون استقلال و آزادی جزء حقوق پایه‌ایشان هستند و بایستی آنها را داشته باشند زیرا فقدانشان، انکار هویتشان است و طبیعی است که بخواهندشان و برای احقاقشان مبارزه کنند و ثانیاً این مشکل شما هم هست که میخواهید بر علیه این حق پایه‌ای آنها مبارزه بکنید، یا آنرا پایمال بکنید، چون میخواهید که این حق آنها را بازپس ندهید، در اینصورت دارید هویتشان را به صورت خودکار انکار میکنید. بنابراین آنها را دعوت به جنگ و انزجار و لعن و نفرین و عقب افتادگی کرده‌اید و اینها همگی نه تنها باعث درجا زدن و پیشرفت نکردن و دشمنی خواهند شد، همچنانکه تابلحال هم شده‌اند، بلکه همه منطقه و همه یا بخشی از این کره خاکی را هم به مخاطره می‌اندازند، زیرا صلح و ثبات منطقه به خطر می‌افتد! بنابراین این مشکل وجود واقعی دارد و نباید آنرا ندید یا نادیده گرفت. همگی میدانیم که تا مشکلی را بخوبی نشناسیم و نبینیم، نخواهیم دانست که آن مشکل چیست و در نتیجه نمیتوانیم آنرا حل و فصل کنیم. فقط صورت مسئله را حذف کردن به خیال اینکه دیگر مسئله‌ای وجود ندارد تا حلش کنیم، راه حل نیست، راه حل اصولی آنست که صورت مسئله را بفهمیم، بدانیم که مسئله چیست، آنموقع است که میتوان جواب صحیح به آن داد! در جنگی که پیش آمده یا خواهد آمد، شما مقصر هستید چرا که کردها دارند از وجود و هویت خودشان دفاع میکنند و این شماست که در صورت انکار این حقوق، به حقوق پایه‌ای و غیر گرفتنی آنها تجاوز میکنید. هم حقوق پایه‌ای انسانهای کرد زبان را پایمال میکنید و نمیخواهد که به آنها باز پس گردانده شوند و هم دارید ظلم میکنید و هم زور میگویید و هم تهاجم میکنید. پس کردها مقصر نیستند چون در حالت تدافعی قرار میگیرند، همچنانکه تا حالا هم بوده‌اند.

آنچه را که شما بایستی حتما بدانید!

اولا اینکه کردهای پنج تکه شده از کردستان (بمانند پنج خواهران زخم خورده و به زور به عهد درآورده شده)، اعضای احزاب کردی خواهان ایرانی فدراتیو و برخی احزاب چپ، امسال هم مثل هر سال در تاریخ 24.07.2007 در شهر نوزان در سوئیس، همگی زیر یک پرچم سه‌رنگ با خورشیدی درخشان در وسط آن، جمع میشوند و انزجار خودشان را از آن ازدواج زورکی که 84 سال قبل بدون رضایت بوقوع پیوسته بود اعلام میدارند و خواهان طلاق گرفتن این خواهران بی حقوق و زندگی مجدد در زیر سقف کردستانی متحد و یکپارچه میشوند، این کاریست که آنها هر سال میکنند، چرا که مخالف آن ازدواج نامیمون هستند.

دوما همچنانکه مستحضرید، کردستان تا قبل از جنگ جهانی اول یعنی قبل از سال 1914 مثل خیلی از کشورهای دیگر یک کشور نیمه مستقل و نیمه مستعمره زیر سلطه و نفوذ انگلیسیها و روسها بوده، همچنانکه ایران آنزمان هم بوده است. آنزمان برای پایان دادن به جنگ جهانی اول قرار داد صلحی بنام قرارداد صلح Sevre در تاریخ 10.08.1920 به امضای متحدین و امپراتور شکست خورده عثمانیها رسید. قرار شد که این پیمان به جنگ جهانی اول پایان دهد و همه چیز به شکل سابق برگردد. در این زمان مصطفی کمال در ترکیه، با رد حکومت عثمانی در استانبول، خود اعلام حکومت جمهوری در انکارا نمود و همزمان قرارداد صلح Sevre را هم بشدت زیر پا نهاد و با یونانیها دوباره وارد جنگ 3 ساله‌ای شد که این جنگ هم تا سال 1923 ادامه پیدا کرد. اینجا بود که دوباره کشورهای درگیر جنگ به اضافه کشورهای استعماری انگلیس و فرانسه در شهر نوزان سوئیس در هتل اوشی جمع شدند و برای پایان دادن به جنگ ترکیه مسلمان با اروپای مسیحی قرار داد منفور نوزان را در تاریخ 24.07.1923 امضا نمودند.² در این قرارداد بود که کردستان را به پنج میخ کشیدند و به خیال خود کشتند! کردها که خود در حین امضاء این قرارداد حضور نداشتند، بدون اینکه خودشان مطلع باشند، بدون اینکه ازشان سوالی بکنند، بدون اینکه از مردم این کشور پرسیده شود، بدون اینکه رفتاری برقرار شده باشد، بدون اینکه این ملت خود بخواهند، بدون اینکه حقوق این ملت بزرگ را به رسمیت بشناسند و غیره و غیره، با کشتار و ویران نمودن و غارت و چپاول و سرنیزه، این ملت بزرگ را تکه تکه نمودند، 5 تکه کردند، به 5 خواهر تبدیل کردند و به زور و بدون کوچکترین علاقه‌ای از طرف خودشان، به عهد دامادهای ناخواسته و به خانواده داماد هدیه شدند! آنهم چه هدیه خونباری! خانواده‌های داماد الان 84 سال است که بدون اینکه بند پوتینه‌های خونینشان را باز کنند، با این 5 خواهر مثل برده‌ها رفتار میکنند، استثمارشان میکنند، شلاقشان میزنند، تازیانه‌شان میزنند، سنگسارشان میکنند، بچه‌هاشان را میکشند، میگیرند، زبانشان را میبرند، هویتشان را گم یا له میکنند، فرهنگ و خطشان را نیست و نابود میکنند تا بخيال خودشان نسلشان را منقرض کنند، آثار تاریخی و فرهنگی را از زیر خاک میربایند و برای احتیاط از بیداری این ملت، مغولوار³ نیست و نابود میکنند، یا اینکه به خارجه‌ها ارزان فروش میکنند. آیا وقتی شما به حق از

² البته هم مصطفی کمال در ترکیه و هم رضا شاه در ایران با رد نسبی حکومت مذهبی و اعلام جدایی دین از دولت،

توانسته بودند تا حدی پشتیبانی اروپاییها را به خودشان جلب و جذب کنند و این آنزمان یکی از برگهای برنده آنها بود!

³ مغولها هم یکبار در بین سالهای 1240 تا 1250 میلادی آثار فرهنگی و تاریخی کردها را ویران و نابود و یا به تاراج

برده بودند، آنها 100000 کرد را در آنزمان که جمعیت دهها برابر کمتر از امروز بوده، کشته‌اند!

حفظ پاسارگاد و تنگه بلاغی بشدت دفاع میکنند و جلو آگیری سد سیوند میایستید، کاری که منطقا و مطلقا رواست، چرا کردها حق ندارند از آثار باستانی خود دفاع و پشتیبانی بکنند؟ دهها سال است که رژیمهای توتالیتر این کشورها چه خوش و چه بدش به ناحق کردستان را بی اقتصادش کردهاند، بی دست و پایش کردهاند، محروم نگه داشتهاند، تفریس و تعریب و تتریکش میکنند ولی این ملت مبارز و مدافع آزادی و استقلال خویش، هنوز نفس میکشد و هنوز نمرده و نخواهد مرد! البته فقط زنده است، آنهم بخاطر مبارزات بی امانش!

حال چرا به شما مینویسم؟

از زبان زور که بگذریم میرسیم به صدها کانال تلویزیونی و رادیویی و انترنتی در هر 5 کشور اشغالگر، از حکومتی گرفته تا مدنی و تا شماها که با تبلیغات تمامیت ارضی خواهی، کوچکترین حق نفس کشیدن، حق ابراز وجود کردن، حق حرف زدن، حق نوشتن و غیره را از کردها گرفته‌اید، فضا سازی نموده و جعل واقعیات میکنید(حال خواسته یا نا خواسته، دانسته یا ندانسته) یا خاموشید و در این مورد چیزی نمیگویید. "کردها اصیلترین ایرانیها هستند" شعاری ساده لوحانه بیش نیست و سلاحیست برای سرکوب و ماستمالیکردن روح حقیقت! حکومت‌هایتان که هیچی سرشان نمیشود جز بریدن زبانها و کشتن و سیاه چاله‌ها. شما چرا؟ آلا نه هم در عصر مدرنیته و قدم بسوی پست مدرنیته، باز هم گلوی این انسانها را میفشارید که سخن نگویند و از آزادی و استقلال حرفی به میان نیاورند؟ گویا استقلال طلبی جرم است، اگر این مهم درست است، پس با این حساب شما خودتان همه مجرمید که استقلال کشورتان را میخواهید. تقاضامندم که بیایید و آنچه را که حقیقت دارد بگویند و نه آنچه‌ی‌را که میباید بگویند!

کوتاه سخنی در مورد آینده و فدرالیزم مورد نظر برخیها و نشست پاریس:

از نظر بنده فدرالیزمی که برخیها از جمله احزاب، برای آینده ملتهای یا به قول شماها "قومهای" ایرانی پیشنهاد میکنند، برای من و امثال بنده ادا جالب نیست و بدرد کردها نمیخورد. من آن منطق را که میگوید، چنانچه کردها با ما وارد ائتلافی برای یکپارچه نگه‌داشتن ایران میشوند باهاشان کنار می‌آییم و در غیر اینصورت باهاشان می‌جنگیم، کاملا رد میکنم و آنر غیر منطقی و بشدت دیکتاتوری میدانم، که البته کردها را از جنگ دفاعی هراسی نیست. وقتی کردها برحذر میشوند از اینکه مستقل و با میل خودشان با خواهر و برادرهای تنی (4 تکه دیگر کردستان) زیر یک سقف در کشور ابا و اجدادی خودشان، کردستان بزرگ 42 میلیونی زندگی کنند، چرا و با چه منطقی آنها باید قبول کنند که به زور با خواهر و برادرهای ناتنی (هر تکه از کردستان با کشور مربوطه) که نه زبانشان یکیست، نه فرهنگشان یکیست، نه دینشان یکیست، نه خطشان و اداب و رسومشان یکیست و نه خواست قلبیشان است، زندگی کنند؟ تازه با آن سابقه ترور و وحشت که کردها از شما به خاطر دارند؟ و تازه آنموقع هم باید احتمالا با زبان و فرهنگ و خط شما خواندن و نوشتن کنند و با آن بزرگ شوند و از زبان مادری محروم گردند! این قسه ساده بیادنان هست که برادران ناتنی یوسف پسران یعقوب، چه بر سر برادر ناتنی کوچکشان یوسف آوردند؟ همگی برادران تنی، یوسف را در چاهی انداخته و به پدرشان گفتند که وی را گرگ خورد! این قسه است؟ بلی قسه است ولی مثالی واضح و روشن از با هم نتوان زیستن ناتنیهاست! عراق را میبینید که چه بر سرش آمده است و اکثریت چه بر سر کردها میاورند؟ دخالت‌های حکومت‌های ایران و ترکیه و سوریه را در این تکه کردستان نیمه آزاد

شده میبینید، که چه جوری مثل گله گرگ در کمینش نشسته‌اند تا خسته و ضعیف شود، تا با یک حمله غافلگیر کننده نیست و نابودش کنند؟ توپبارانهای پیاپی ایران و ترکیه و هشدارهایشان را می‌شنوید؟ این عملکردهای زشت آنها از تنها ماندن کردهای جنوبی است که اینجوری تکه و تنها افتاده است و همه جرئت میکنند که به شهرهایش، ملتش، خاکش، کرکوکش، نفتش، اقتصادش و غیره و غیره تجاوز کنند. کشتارها و ترور رهبران کردها، اعدام رهبران کردها، دستگیری رهبران کردها و غیره را از طرف هر پنج کشور اشغالگر حتی در خارج از کشور و در قلب کشورهای اروپایی میبینید؟ اگر کشور کردستان، واحد و مستقل و آزاد و یکپارچه بود، مگر بقیه جرئت میکردند که اینچنین با رهبرانش برخورد کنند یا اینکه به راحتی به خاکش تجاوز کنند؟ مگر مردم جهان میتوانند آنها را قبول کنند؟ آآن چی؟ همه چی برای گرگهای در کمین نشسته از دستدرازی کردن تا دخالت تا آشوب به پا کردنها و ترور و ارباب و جنگ و غیره برایشان به راحتی آب خوردن است!

نگاهی به تاریخ⁴

به گفته مورخین یونانی و به شاهد تاریخ، پس از حملات شدید و خونین آشوریان به مناطق مادنشین، در حدود سال 708 قبل از میلاد مسیح، رهبر یکی از قبایل مادی به نام دیاکو بوسیله مجلس اتحادیه، به عنوان رهبر قبایل مادی انتخاب شده و وظیفه تشکیل یک دولت مرکزی به عهده وی گذاشته می شود. این رهبر، دیاکو (دیوکس در یونانی) با متحد کردن قبایل پراکنده مادی و برقراری قوانین، به عنوان اولین رهبر ماد شناخته می شود و اوست که پایتخت خود را در همدان امروز (هنگمتان، هم‌ریشه با هنگمن و انجمن، به معنای محل جمع شدن) قرار می دهد.

کردها باقی مانده امپراتوری مادها هستند و همانطور که در کتابهای تاریخ میخوانیم، ماد نام سرزمین دربرگیرنده کردستان امروز و خیلی وسیعتر از آن بود. مجموعه لشکرکشی های آشور به سرزمین ماد در قرن هشتم قبل از میلاد مسیح و خطر حمله از غرب بوسیله دولت زورمند آشور، نیاز تشکیل یک دولت متمرکز را برای مادها بوجود آورده بود. پادشاهان ماد 5 نفر پشت اندر پشت بوده‌اند که اولینشان دیاکو و آخرینشان ایشتوویگو یا آستیگ پدر بزرگ کورش بود.

با شکستی که در سالهای 550 قبل از میلاد مسیح، کوروش پسر ماندانای ماد و دخترزاده آستیگ با کمک و خیانت هارپاک که او هم خود ماد بود بر پدر بزرگ خود آستیگ (دوره حکومت: 585 تا 550 پ. م) واپسین پادشاه ماد، وارد ساخت شاهنشاهی ماد به پایان رسید. شاهنشاهی بزرگ ماد دورانی طولانی (728-550 پ.م.) برقرار بود و سپس جای خود را به شاهنشاهی هخامنشی اولین سلاله و شاه پارسها سپرد.

در سال 401 قبل از میلاد مسیح موقعیکه گزننون سردار یونانی از مناطق کاردوخها یا کردها می‌خواهد بگذرد با آنها درگیر میشود، که بعدها آنها اینچنین بیان میکنند: "در موقع لشکرکشی به میزوپوتامیا از دریای سیاه تا جنوب کوههای زاگرس ملتی که به کاردوخها مشهورند به ما حمله‌ور شدند، آنها شدیدترین زیانها را به ما وارد کردند."

⁴ هدف از آوردن این تاریخها که اکثرا از سایت www.rojhalat.de گرفته شده‌اند، افتخار به جنگهای گذشته نیست، بلکه بخاطر روشن شدن پاره‌ای از واقعیات هستند!

در سال 612 قبل از میلاد مسیح در اولین روز بهار مادها با کمک بابلیها بر آسوریهای قدرتمند پیروز میشوند و پایتخت آنها نینوا را به تصرف خود در میآورند، مادها بعد از این روز تاریخی خود را نوروز مینامند، پس نوروز سالها قبل از حکومت هخامنشیان توسط مادها نامگذاری شده است.

طبق این روایات تاریخی، مادها بیشتر از 2700 سال قبل در این سرزمینها سکونت داشته‌اند و هنوز هم دارند. بنابراین کردها خاک کسی را اشغال نکرده‌اند بلکه این سرزمین آنهاست که اشغال شده است و امروز 84 سال است که تکه تکه هم شده است. آیا اگر شما امروز در عصر مدرنیسم با زبان تمدن و دیالوگ و عدم خشونت به این واقعیت پاسخ ندهید، پس چطور می‌خواهید که این معضل از سر راه برداشته شود؟ با جنگ لعنتی؟

پیشنهاد من چیست؟

نا گفته نماند که ما اینک خواسته یا ناخواسته در عصر گلوبالیسم و سرمایه‌داری جهانی زندگی میکنیم و هجومهای پی در پی امپریالیستی به مناطق نفتی به معنای حضور و کنترل این مناطق از طرف آنهاست، چرا که سرمایه‌داری جهانی برای گردش سرمایه‌اش احتیاج هم به صلح و هم به ثبات در منطقه دارد و این بدان معناست که هیچ جنگی، به غیر از جنگ خودشان، در آن مناطق نفت خیز برایشان قابل قبول نخواهد بود. بنابراین میتوان نتیجه گرفت که این معضل کردها دیر یا زود از طرف سرمایه‌داری جهانی حل خواهد شد و برای رسیدن به یک صلح با ثبات ایجاد مجدد کشور کردستان و فلسطین در منطقه الزامی خواهند بود، زیرا در هر دو کشور کردستان و فلسطین، هر چند سال یکبار، یک شورش بر حق بر پا میشود و تا بخواهند آنها سرکوب کنند، یکی دیگر و یکی دیگر و الا آخر بوقوع خواهند پیوست. در نتیجه هیچ راه حل دیگری بجز استقلال این سرزمینها وجود ندارد. پس حالا که اینطور است، بیایید تا ما خودمان به جهانیان نشان دهیم که تمدن هستیم، تاریخ تمدن چند هزار ساله داریم، جنگ و جدل را سالها تجربه کرده‌ایم و امروز به این نتیجه رسیده‌ایم که از جنگ و خونریزی هیچ نتیجه‌ای جز ویرانی و بی‌خانمانی و عقب افتادگی حاصل نمیشود، پس بیایید تا ما اینبار مستقلا و بدون کدخدا که خواهد آمد تا ما و شما را طلاق بدهد، با آرزوی قلبی خودمان و تمدنانه از هم جدا شویم، تا فردا بتوانیم به عنوان دو کشور همسایه، با تاریخ و فرهنگهای کهن به چشمان هم نگاه کنیم. اگر ازدواج اجباری و با خونریزی بود و گریزی از آن نبود، بگذارید اینبار طلاق دلخواهی باشد!

من همینجا به نامه‌ام پایان میدهم، امیدوارم که توانسته باشم روزنه‌امیدی را فراهم کرده باشم. مطمئنم که در دل و سینه تک تک شما این احساس وجود دارد که پیش خودتان در خلوت به خودتان بگویند، چرا که نه؟ من دوستان زیادی از این پنج کشور دارم که ازشان شنیده‌ام که گفته‌اند، کردها حق داشتن کشور مستقل خودشان را دارند، امیدوارم که شما هم از این دسته باشید، این خیانت به کشورتان نیست، چون کشور شما به هزار و یک دلیل جداست از کردستان، این کمک به روح حقیقت است، کمک به آزادی و سربلندی ملتی کهن و غیور است و همزمان کمک به توقف جنگهای لعنتی‌اتی خواهند بود.

به امید روزی که این معضلات حل شوند و هر سال روز دوم اکتبر را هر چه باشکوه‌تر برگزار کنیم و به این دستاورد بشری جدید که مبارزه‌ها پشتش خوابیده، نیز احترام بگذاریم. به امید آنروزها!

سر بلند و حقیقت گو و حقیقت جو باشید

www.kungfutoa.ch/ayub.rahmani

30 ی جوهردانی 2707 مساویست با 20.06.2007

(لطفا این نامه را تا جایی که میتوانید، بدست همه برسانید، متشکرم!)